

بررسی اثرگذاری متغیرهای اقتصادی بر ریسک اعتباری سیستم

بانکی کشور

علی اکبر قلی زاده^۱

فرزانه شالیاری^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

از آن جا که بیشترین حجم مبادلات اقتصادی کشور از طریق سیستم بانکی تحقق می یابد، کارکرد صحیح نظام بانکداری کشور نقش تعیین کننده ای در بهبود فعالیت های اقتصادی خواهد داشت. یکی از عمده ترین مشکلات نظام بانکی کشور طی سال های گذشته عبارتست از این که در صورت پرداخت نشدن به موقع اقساط تسهیلات، بانک ها با کاهش ناگهانی منابع مواجه می شوند و ریسک اعتباری ممکن است به ورشکستگی آنها منجر شود. به همین دلیل اندازه گیری ریسک تسهیلات اعطایی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تصمیم گیری در حوزه نظام تامین مالی مطرح است که تحت تأثیر متغیرهای اقتصاد کلان بوده و می تواند نشانه هشدار وقوع تکانه در بخش مالی باشد. این مقاله اثرگذاری متغیرهای اقتصادی بر ریسک اعتباری سیستم بانکی کشور را طی دوره زمانی ۹۵-۱۳۷۹ بررسی می کند. به منظور اندازه گیری نرخ نکول از نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی استفاده شده است. متغیرهای اقتصادی شامل نرخ رشد سهام، نرخ بیکاری، نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد تسهیلات می باشد که با استفاده از مدل *ARDL* اثرگذاری بلندمدت و کوتاه مدت آنها تخمین زده شده است. نتایج اثرگذاری متغیرها را بر ریسک اعتباری را تایید می کند. در این میان ریسک اعتباری بیشترین اثرپذیری را از متغیر نرخ رشد شاخص قیمت سهام و کمترین اثرپذیری را از متغیر نرخ رشد نقدینگی داشته است.

واژگان کلیدی: ریسک اعتباری، مطالبات غیرجاری، *ARDL*

طبقه بندی *JEL*: E5, G2, G3

۱- دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی. دانشگاه بوعلی سینا، نویسنده مسئول Z_aliak@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد اقتصاد farzanehsh.eghtesad@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد اقتصاد

مقدمه

وقوع بحران‌های بانکی در دهه‌های اخیر در کشورهای صنعتی و بویژه در کشورهای در حال توسعه به دلایلی همچون فرار سپرده‌ها، افزایش مطالبات معوق بانک‌ها، رکود اقتصادی و غیره باعث اختلال در نظم بازارهای مالی شده و زمینه ورشکستگی بسیاری از بانک‌ها را فراهم آورده است. به همین دلیل شناسایی عوامل موثر بر عدم پرداخت و پیش‌بینی احتمال نکول، یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین اصول مدیریت ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی است اصلی‌ترین ابزار برای کنترل مطالبات معوق و رساندن آن به سطح استاندارد و جلوگیری از بروز پیامدهای منفی در کارایی نظام بانکی، شناسایی علل بروز آن و اتخاذ راهکارهای مناسب است. عواملی که در شکل‌گیری مطالبات معوق در بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری تاثیر گذارند، در دو بعد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. عوامل درون‌سازمانی بیشتر ریشه در ضعف نظارتی و ارزیابی مشتریان خلاصه می‌شود، اما عوامل برون‌سازمانی ناشی از سیاست‌گذاری دستوری است. از جمله عوامل درون‌سازمانی که در سال‌های اخیر در شکل‌گیری مطالبات معوق تاثیر داشته است، می‌توان به عدم دقت کافی در بررسی کارشناسی، توجیه فنی و اقتصادی طرح‌های متقاضی تسهیلات توسط بانک‌ها به دلیل ظرفیت محدود بدنه کارشناسی بانک‌ها و گستره وسیع طرح‌ها، اعطای تسهیلات بلندمدت از محل منابع سپرده‌های کوتاه‌مدت، ضعف نظارت بر روند مصرف درست تسهیلات در طول سالیان متمادی و غیره و عوامل برون‌سازمانی که در این مورد اثرگذار بوده‌اند شامل شرایط و تحولات اقتصادی داخلی و خارجی، نوسانات نرخ‌های برابری ارز در جهان، بروز حوادث غیرمترقبه مانند خشکسالی، سیل و غیره طی سال‌های اخیر و کاهش توان بازپرداخت خسارت‌دیدگان (ذوالنوریان، ۱۳۹۰؛ هاشمی نوده‌ی، ۱۳۷۷). این تحقیق با تمرکز بر عوامل برون‌سازمانی و خارج از کنترل بانک‌ها و مشتریان آن‌ها، یعنی عوامل اقتصادی، به بررسی میزان تاثیر این عوامل بر مطالبات بانکی می‌پردازد. در سیستم بانکی کشور مطالبات به دو دسته مطالبات جاری و غیرجاری تقسیم می‌شود.

مطالبات جاری: مطالباتی که از سررسید آن‌ها بیش از ۲ ماه نگذشته باشد.

مطالبات غیرجاری^۱: شامل مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول

• مطالبات سررسید گذشته: مطالباتی که از تاریخ سررسید بدهی و یا تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن بیش از ۲ ماه گذشته و از شش ماه تجاوز نموده است.

• مطالبات معوق: مطالباتی که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید و یا از تاریخ قطع بازپرداخت آن سپری شده است.

1-Non- performing Loan

- مطالبات مشکوک الوصول: مطالباتی که بیش از ۱۸ ماه از تاریخ سررسید و یا از تاریخ قطع بازپرداخت آن سپری شده است.

به مجموع مطالبات سررسید گذشته، معوق و مطالبات مشکوک الوصول؛ مطالبات غیر جاری گویند. نرخ نکول مطالبات غیر جاری نیز عبارت است از نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات اعطایی. از معیارهای رایج در سیستم بانکی کشور جهت ارزیابی ریسک اعتباری تحقق یافته نسبت مطالبات غیر جاری به کل مطالبات است. اخلال در امر واسطه‌گری بانکها اولین پیامد منفی مطالبات غیر جاری در شبکه بانکی است. ضمن این‌که یکی از پیامدهای رشد فزاینده نسبت مطالبات غیر جاری به کل مطالبات آن است که؛ بخشی از منابع بانکها در بلندمدت از گردش خارج شده و بخشی دیگر به صورت ذخیره مطالبات غیر جاری بابت پوشش زیان احتمالی ناشی از عدم بازگشت مطالبات در می‌آید. این مسئله در نهایت با انعکاس در ترازنامه بانکها، به کاهش سودآوری و نامناسب شدن ترکیب دارایی بانکها منجر می‌شود. یکی دیگر از تبعات افزایش مطالبات غیر جاری بر روند اعتباری بانکها، افزایش ریسک اعتباری بانکها است. زمانی که بانکها با عدم بازگشت تسهیلات در سررسید مقرر مواجه می‌شوند؛ تمایل کمتری به اعطای تسهیلات پیدا می‌کنند. موضوع فوق که در دوران بحران مالی از اهمیت بیشتری برخوردار است، منجر به شناسایی مقاومت سیستم بانکی علی‌الخصوص از نقطه نظر نکول تسهیلات پرداختی در زمان بحران‌های بانکی می‌گردد. این موضوع اهمیت تبیین ارتباط بین شرایط اقتصادی و سلامت سیستم بانکی را روشن می‌سازد (شعری، نادری، ۱۳۹۰). بدین منظور بانکها به دنبال آن هستند که عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری را شناسایی کنند تا از این طریق بتوانند ریسک را کاهش یا کنترل نمایند، که هدف اصلی این پژوهش است. سیاستگذاران و مدیران بخش پولی و مالی با در نظر گرفتن این مسئله و با توجه به نتایج این مطالعه می‌توانند سیاست‌های مناسب را جهت جلوگیری از این بحران‌ها اتخاذ کنند.

در این مطالعه برای بررسی متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر بر نرخ نکول مطالبات غیر جاری سیستم بانکی از الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. بدین منظور پس از تعریف مطالبات و مروری بر مطالعات صورت گرفته در این زمینه در داخل و خارج از کشور، مدل ARDL توضیح و سپس تخمین زده شده است در پایان نیز نتایج تحقیق بیان شده است.

۲- مروری بر مطالعات گذشته

قوش^۱ (۲۰۱۵) با بررسی متغیرهای اقتصادی موثر بر نرخ نکول مطالبات غیرجاری سیستم بانکی آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۸۴-۲۰۱۳ متوجه شده است که افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه افراد سبب کاهش میزان مطالبات غیرجاری در بانکهای تجاری در آمریکا شده است در حالی که افزایش تورم و بیکاری سبب افزایش این مطالبات شده است.

سالس و سارینا^۲ (۲۰۰۲) در تحقیقی برای سیستم بانکی اسپانیا نرخ نکول را تابعی از متغیرهای کلان و خرد در نظر گرفته و با استفاده از دیتا پنل برای بانکهای پس انداز و تجاری در دوره زمانی ۱۹۹۷-۱۹۸۵ بررسی کرده اند و نشان می دهند که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، اندازه بانکها و نرخ رشد اعتبارات متغیرهایی قوی در تعیین نوسانات نرخ نکول مطالبات هستند و با آن رابطه منفی دارند. خیمنز و سارینا^۳ (۲۰۰۶) به بررسی عوامل اقتصاد کلان موثر بر سیستم بانکداری اسپانیا برای سالهای ۲۰۰۲-۱۹۸۴ و با استفاده از روش دادههای پنل و مدل لاجیت پرداخته بودند. بررسیهای آنها مشخص می سازد رشد اقتصادی با ریسک اعتباری بانکها رابطه عکس دارد و در توضیح آن بیان می کنند که بانکها در زمان رونق الزامات و استانداردهای اعتباری را رعایت نمی کنند.

کلین^۴ (۲۰۱۳) با بررسی نسبت مطالبات غیر جاری ۱۶ کشور اروپایی با استفاده از دادههای پنل دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۸ متوجه اثرگذاری متغیرهای اقتصاد کلان و برخی از عوامل خاص بانکی بر میزان این نسبت و وقوع بحرانهای بانکی شده است.

تعیین عوامل مختلف تأثیرگذار بر مطالبات غیرجاری با در نظر گرفتن دو نوع از عامل سیستماتیک و عوامل خاص بانکی بر تسهیلات مختلف با تمرکز بر تحولات اقتصادی یونان موضوع مورد تحقیق لویزس و همکاران^۵ (۲۰۱۲) بوده است. آنها در مطالعه ای با استفاده از دادههای پنلی پویا برای ۹ بانک یونان در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۳ نشان می دهند که متغیرهای اقتصاد کلان همچون نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، نرخ بهره، بدهی عمومی و متغیر کیفیت مدیریت اثرات قوی بر نرخ نکول تسهیلات اعطایی داشته اند.

احمد^۶ (۲۰۱۳) میزان اثرگذاری متغیرهای کلان را به عنوان عوامل موثر بر نسبت مطالبات غیرجاری را با استفاده از دادههای سری زمانی و تخمین ها OLS، طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۰

1 -ghosh

2 -Salas & Saurina,

3 -Jiménez & Saurina

4 -klein

5-Louzis & Vouldis & Metaxas

6-Ahmad

برای سیستم بانکی پاکستان بررسی کرده است، نتایج وی بیانگر قدرت توضیحی بالای این متغیرها است. وی بیان می‌کند که نرخ رشد اقتصادی با افزایش درآمد حقیقی افراد و بنگاه‌های اقتصادی سبب کاهش نسبت مطالبات غیرجاری می‌شود و در عین حال افزایش متغیرهای نرخ بیکاری و نرخ تورم با کاهش درآمد افراد سبب افزایش نسبت مطالبات غیرجاری می‌شوند.

واعظ و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی برای دوره ۸۸-۱۳۷۹ از یک الگوی اقتصاد کلان برای تجزیه و تحلیل ریسک اعتباری در بخش‌های اصلی اقتصاد ایران (کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات و مسکن) استفاده کرده‌اند. این الگو بر پایه الگوی CPV و مدل لاجیت می‌باشد. یافته‌های پژوهش مذکور حاکی از آن است که ضرایب متغیرهای تولیدات بخش‌ها، نرخ ارز بازار غیر رسمی، نرخ سود مطالبات پرداختی و قیمت نفت، مثبت و معنادار شده است. همچنین ضرایب متغیرهای شاخص قیمت تولیدکننده و شاخص بورس منفی است.

مطالعات شعری ونادری (۱۳۹۰) نیز که با استفاده از روش داده‌های پنل و GLS برای ۱۵ بانک کشور در دوره ۸۸-۱۳۸۲ اثر متغیرهای اقتصادی بر نرخ مطالبات مشکوک الوصول را مورد توجه قرار داده است. مبین همین موضوع است و اثر گذاری متغیرهای اقتصادی را بر این نرخ مورد تاکید قرار داده است.

همتی و محبی‌نژاد (۱۳۸۸) با استفاده از داده‌های تلفیقی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)، اثر متغیرهای کلان اقتصادی را بر نوسانات ریسک اعتباری ۱۷ بانک کشور برای دوره ۸۵-۱۳۷۸ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که نوسانات و تفاوت ریسک اعتباری بانک‌ها در بین بانک‌های مختلف چشمگیر نیست و قسمت عمده نوسانات ریسک اعتباری بانک‌ها ناشی از تغییرات وضعیت کلان اقتصادی کشور، طی زمان است. سطح GDP و نرخ تورم با ریسک اعتباری بانک‌ها رابطه منفی داشته و رشد GDP، میزان واردات، ریسک اعتباری دوره‌های گذشته و رشد تسهیلات با ریسک اعتباری بانک‌ها رابطه مثبت دارد.

۲- مدل تحقیق

در این پژوهش برای بررسی عوامل اقتصادی بر ریسک نکول از مدل تک عاملی ریسک^۱ (ASRF) که توسط واسیک^۲ (۱۹۹۱) ارائه و در سال (۲۰۰۲) توسعه داده شد، استفاده شده است. این مدل به عنوان مدل واسیک^۳ یا وسیچک نیز شناخته می شود. در ادبیات مدیریت ریسک بانک ها، برای بررسی اثرگذاری عوامل اقتصادی بر نرخ نکول مطالبات از مسیر بازدهی دارایی استفاده می شود. بر همین اساس نیز واسیک مدل خود را بر پایه مدل ارزش دارایی^۴ مرتون بیان کرد. در مدل های تک عاملی^۵ بازدهی دارایی (B_{it}) دارای دو جزء است. در جزء اول تمامی B_{it} به یک عامل مشترک وابسته است؛ و جزء دیگر، با دیگر متغیرها غیرهمبسته است. در این مدل عناصر تشکیل دهنده بازدهی دارایی در دو دسته کلی عوامل کلان و عوامل خاص قرار می گیرند. به عبارت دیگر فرض بر اینست که دو نوع از پدیده ها تغییرپذیری بازدهی دارایی ها را از دوره ای به دوره دیگر تبیین می نمایند. پدیده های کلان مثل نرخ تورم یا نرخ بهره؛ که تمامی شرکت ها را تحت تاثیر قرار می دهد و دومی پدیده های خرد که تنها بر یک شرکت خاص تاثیر دارند. فرض می شود که این عوامل تاثیری بر نرخ بازده پرتفوی بازار ندارد. با فرض وجود n شرکت، $i \in (1, \dots, n)$ ، و این که تمام شرکت ها در نهایت نکول خواهند کرد ولی زمان نکول ممکن است صدسال دیگر باشد، می توان برای متغیر B_{it} یک ساختار همبستگی را با استفاده از مدل رابط گاوسی تک عاملی تعریف کرد:

$$B_{it} = \sqrt{\rho}Y_t + \sqrt{1-\rho}Z_{it}$$

در این جا، $Y_t \sim N(0,1)$ عوامل سیستماتیک ریسک اعتباری شامل عوامل اقتصاد کلان در زمان t ، ρ ضریب همبستگی که توسط کمیته بال تعیین می گردد، و $Z_{it} \sim N(0,1)$ عوامل ویژه شرکت i ام در زمان t ، همانند مدیریت و نوآوری است. فرض اساسی دیگر در مدل تک عاملی این است که اجزاء اخلاص برای شرکت های مختلف با یکدیگر نا همبسته اند. بنابراین در رابطه بالا:

$$\begin{aligned} E(dY_t)^2 &= dt \\ E(dZ_{it})^2 &= dt \\ E(dY_t)(dZ_{it}) &= 0 \\ E(dZ_{it})(dZ_{jt}) &= 0 \quad i \neq j \end{aligned}$$

در صورتیکه:

$$P = P_{D1t} = \dots = P_{Dnt}$$

1- Single Risk Factor model

2 -Vasicek

3 -Vasicek's Model

4 -Asset Value Model

۵- امروزه مدل های توسعه یافته به منظور پیش بینی ساختار همبستگی بین اوراق بهادار را مدل های عاملی گویند. رایج ترین این مدل ها فرض می نمایند که حرکات همزمان سهام با یکدیگر اغلب به خاطر یک عامل یا یک شاخص عمومی است. این مدل تک عاملی یا مدل تک شاخص نامیده می شود. مدل مذکور این فرض را برای بازدهی دارایی مطرح کرده است.

$$= P(\sqrt{\rho}Y + \sqrt{1-\rho}Z_{it} < Q^{-1}(P_{D_{nt}}) | Y = y)$$

$$P(y) = P(B_{it} < C_{it} | Y = y)$$

$$P(y) = P(D_{it} = 1 | Y = y) = P\left(Z_{it} \cdot \right.$$

$$P(y) = P(D_{it} = 1 | Y = y) = Q\left(\frac{Q^{-1}(\right.$$

طبق این رابطه، نرخ نکول تابعی شرطی از شرایط اقتصادی (Y) است و در اینجا شرایط اقتصادی وابسته به متغیرهای کلان همانند نرخ تورم و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد شاخص قیمت سهام است.

۳- روش تحقیق

در این مطالعه از داده‌های فصلی اقتصاد ایران طی سه ماهه سوم ۱۳۷۹ تا سه ماهه دوم سال ۱۳۹۵ که با استفاده از نماگرهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است استفاده شده است. بانک‌ها و موسسات اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی کشور جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

از آنجائی که داده‌ها از نوع سری زمانی بوده‌اند ابتدا پایایی متغیرها بررسی و آزمون هم‌انباشتگی انجام شده است. سپس با استفاده از مدل ARDL در نرم افزار مایکروفت روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرها تخمین زده شده است. انتخاب این روش بدان جهت صورت گرفته است که این روش بدون در نظر گرفتن این بحث که متغیرهای مدل از چه مرتبه هم‌انباشته هستند کاربرد دارد. همچنین با انجام این روش می‌توان تحلیل‌های اقتصادی را در دوره کوتاه مدت و بلندمدت انجام داد. استفاده از این روش در حجم نمونه‌های کوچک نیز به دلیل در نظر گرفتن پویایی‌های کوتاه مدت بین متغیرها از کارایی بالایی برخوردار است (تشکینی، ۱۳۸۴).

همچنین این روش به دلیل در نظر گرفتن واکنش‌های پویای کوتاه مدت موجود بین متغیرها منجر به برآورد ضرایب دقیق‌تری می‌شود. از سوی دیگر در روش ARDL متغیرها می‌توانند از هر درجه‌ای همبسته باشند. براساس روش ARDL ابتدا برآورد مدل پویای کوتاه مدت ارائه شده، سپس از دو روش برای بررسی رابطه بلندمدت استفاده می‌شود.

روش اول با استفاده از آزمون همگرایی ارائه شده توسط بنرجی و دولادو^۱ و مستر^۲ (۱۹۹۲) (بر مبنای آماره t) وجود رابطه هم‌انباشتگی (همگرایی) و یا به دلیل دیگر، وجود رابطه بلندمدت ارائه می‌شود. روش دوم توسط پسران و دیگران (۱۹۹۶) ارائه شده است. تعداد وقفه‌های بهینه برای

1- Dolado

2- Mestre

هر یک از متغیرهای توضیح دهنده به کمک معیار آکائیک، شوارتز بیزین، حنان کوئین و یا ضریب تعیین مشخص می شود. استفاده از این روش این امکان را فراهم می سازد پویایی کوتاه مدت را به بلندمدت مرتبط ساخت.

۳-۱ متغیرهای تحقیق:

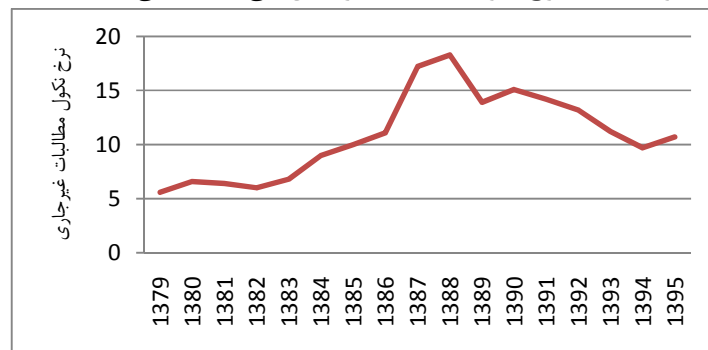
نرخ نکول:

منظور از نرخ نکول، در این تحقیق، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی است. افزایش این نرخ که به اختصار با NPL نشان داده می شود بیانگر کاهش کیفیت دارایی های شبکه بانکی و به تبع آن بی ثباتی های مالی احتمالی در آینده است. هرچه حجم این نوع مطالبات کمتر باشد بیانگر توانایی بانک ها در حفظ منابع موجود است.

بررسی آمار و ارقام^۱ نرخ نکول مطالبات بر روند افزایشی این نرخ در سال های اخیر حکایت دارد. این آمار، نرخ نکول مطالبات غیرجاری را از آذر ۱۳۷۹ تا سه ماهه دوم سال ۱۳۹۵ را شامل می شود. شکل ۱ روند این نرخ را در طی این دوره نمایش داده است. همانطور که در شکل نیز مشخص است میزان مطالبات معوق سیستم بانکی در طی سال های اخیر اگر چه نسبت به سال های ۸۸-۸۷ سرعت رشد کمتری داشته اما روندی افزایشی خود را همچنان حفظ کرده است.

میزان این نرخ از ۵.۶ درصد در سال ۷۹ به ۱۰.۷ درصد در سال ۹۵ رسیده است. تسهیلات اعطایی بانک ها نیز در این مدت از حدود ۳۰۰ هزار میلیارد ریال به بیش از ۸۰۰۰ هزار میلیارد ریال رسیده است که با گسترش سیستم بانکی در این مدت همراه بوده است.

نمودار ۱: روند نرخ نکول مطالبات غیرجاری طی دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: یافته های پژوهش

۱- منبع آمار: بانک مرکزی

بیشترین میزان این نرخ مربوط به سال ۱۳۸۸ است. در این سال نسبت مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول ریالی به کل مطالبات ریالی بانک‌ها و موسسات غیربانکی به بخش دولتی و غیردولتی ۱۸.۶ درصد بوده است که نسبت به سال ماقبل خود ۱.۱ درصد افزایش داشته است. (قلی‌زاده و شالیاری، ۱۳۹۳)

نرخ رشد شاخص قیمت سهام^۱

شاخص قیمت سهام بیانگر عملکرد کل بازار سهام است و به صورت میانگین وزنی محاسبه می‌شود. افزایش این شاخص نشانگر حرکت به سمت رونق و کاهش آن مبین رکود اقتصادی است. انتظار بر این است که با افزایش این شاخص و در نتیجه رونق، وضعیت اقتصادی مردم بهبود یابد و میزان عدم بازپرداخت اقساط کاهش و در نتیجه نرخ نکول نیز کاهش یابد.

از سوی دیگر در دوره رونق میزان تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بنگاه‌های اقتصادی که غالباً با ریسک پذیری بیشتر بانک‌ها همراه است افزایش می‌یابد. که سبب افزایش این نرخ خواهد شد. در این پژوهش با استناد به مطالعات قبلی که در این خصوص صورت گرفته است علامت مثبت را برای این شاخص پذیرفته شده است.

نرخ بیکاری^۲

نرخ بیکاری برابر با حاصل نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال است. با افزایش بیکاری و کاهش میزان اشتغال، بسیاری از افراد توانایی مالی خود را در بازپرداخت تسهیلات دریافتی را از دست می‌دهند و در نتیجه انتظار بر افزایش تعداد اقساط وصول نشده و افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها خواهد بود.

نرخ رشد نقدینگی^۳

جمع مقدار پول و شبه پول، نقدینگی می‌باشد. نرخ رشد نقدینگی از طریق تشدید تورم و بیکاری سبب افزایش نرخ نکول مطالبات غیرجاری می‌شود پس علامت مثبت را برای این متغیر در نظر گرفته می‌شود.

1- growth rate of Stock price index

2- Unemployment Rate

3- Growth Rate Liquidity

نرخ رشد تسهیلات^۱

نرخ رشد تسهیلات، درصد تغییر کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی را نسبت به دوره قبل می‌سنجد. رشد تسهیلات اعطایی سبب افزایش مخرج کسر نسبت مطالبات غیرجاری به کل مطالبات می‌شود و در نتیجه کل کسر، نرخ نکول، کاهش می‌یابد. پس انتظار بر کاهش نرخ نکول در کوتاه‌مدت است. اما رشد تسهیلات که معمولاً بانادیده گرفتن استانداردها و کیفیت اعتباری متقاضیان تسهیلات از سوی بانک‌ها همراه است سبب افزایش نرخ نکول سیستم بانکی در دوره‌های زمانی طولانی‌تر خواهد شد. برای سهولت، تعاریف متغیرهای تحقیق در جدول ۱ به اختصار بیان شده است.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق

متغیر	علامت اختصاری	علامت انتظاری
نرخ نکول	NPL	
نرخ رشد شاخص قیمت سهام	Stock	+
نرخ بیکاری	Un	+
نرخ رشد نقدینگی	Liqu	+
نرخ رشد تسهیلات	Loan	-

۲-۳ آزمون مانایی

در این پژوهش برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج بررسی‌ها بیانگر آن است که متغیرهای Un, Liqu, Loan مانا و از نوع I(0)، متغیر Stock نوع I(1) هستند. در نتیجه متغیرهای مورد استفاده، انباشته از مرتبه‌های متفاوتی هستند. بنابراین استفاده از مدل خود رگرسیون برداری (VAR) برای تخمین ضرایب مدل امکان‌پذیر نمی‌باشد، چرا که برای برآورد مدل از این روش، باید تمامی متغیرها دارای مرتبه انباشتگی یکسانی باشند. بنابراین نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد ما را در استفاده از روش خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) مطمئن‌تر می‌سازد.

۳-۳ تعیین طول وقفه

تحلیل‌های هم انباشتگی مستلزم تعیین طول وقفه بهینه است. تعداد وقفه‌های بهینه برای هریک از متغیرهای توضیح دهنده به کمک معیارهای آکائیک (ATC)، شوارتز بیزین (SBTC)، حنان کوئین (HQTC) مشخص می‌شود. با توجه به محاسبات انجام شده ۴ وقفه تشخیص داده شده است. و از آنجا که متغیرهای مدل دارای سری زمانی فصلی می‌باشند لذا انتخاب ۴ وقفه برای آزمون مذکور از لحاظ تئوریک نیز مناسب می‌باشد.

۳-۴ آزمون علیت گرنجر

جهت ارزیابی روابط علی (دو طرفه یا یک طرفه) بین متغیرهای مورد مطالعه از آزمون رایج علیت گرنجر استفاده شده است. نتایج بدست آمده دلالت بر اثرگذاری متغیرهای مستقل تحقیق بر NPL دارد. اما این رابطه یک رابطه یک طرفه است و تغییر در نرخ نکول بانک‌ها بر این متغیرها بی تأثیر است. بنابراین کاربرد مدل ARDL صحیح خواهد بود زیرا از فروض مدل ARDL نیز این است که متغیر وابسته معلول متغیرهای برونزا باشد اما خود علت آن‌ها نباشد. چنانچه بدون توجه به این مسئله برآورد مدل صورت گیرد اریب همزمانی ایجاد می‌گردد.

۴- تخمین مدل ARDL

هدف از بکارگیری مدل ARDL، بررسی اثرگذاری متغیرهای اقتصادی و بانکی بر نرخ نکول بانکی در کوتاه‌مدت و بلندمدت است. ماکزیمم وقفه در الگوی ARDL دو در نظر گرفته می‌شود و مرتبه وقفه‌های هر متغیر در الگو بر حسب معیار شوارتز به صورت $ARDL(1,2,0,0,1)$ شناسایی شده است.

۴-۱ الگوی کوتاه مدت

جدول ۲. نتایج الگوی کوتاه مدت ARDL

احتمال	آماره F	ضریب	متغیر
۰.۰۰	۳۶.۲۵	۱.۲۳	نرخ نکول (-۱)
۰.۰۳۷	۳.۰۶	۰.۰۶۲	نرخ رشد شاخص قیمت سهام
۰.۰۰۳	۲.۰۶۰	۰.۰۳۲	نرخ رشد شاخص قیمت سهام (-۱)
۰.۰۶۹	-۱.۹۸	-۰.۰۰۳	نرخ رشد شاخص قیمت سهام (-۲)
۰.۰۰	۷.۵۵	۰.۰۲۵	نرخ بیکاری
۰.۰۰۲	۳.۳۴	۰.۰۰۸۴	نرخ رشد نقدینگی
۰.۰۰	-۱۱.۰۴	-۰.۰۴۷	نرخ رشد تسهیلات
۰.۰۴۹	۲.۰۷	۰.۰۱۲	نرخ رشد تسهیلات (-۱)
۰.۰۰۳	-۳.۰۴	-۴.۱۸	عرض از مبدا
۰.۷۹	-	۴.۱۱	همبستگی سریالی
۰.۱۱۵	-	۳۶.۷۲	فرم تبعی
Not applicable	-	۳۱	نرمال بودن جملات پسماند
۰.۷۱۲	-	۰.۱۳	واریانس همسانی
R-Squared = ۰.۷۴۸ DW-statistic = ۲.۸۴ Durbin's h-statistic = ۱.۷۶ ۶۰.۹۳			
R-Bar-Squared = ۰.۷۸ Equation Log-likelihood =			

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین الگوی کوتاه مدت تخمین زده شده به صورت زیر است:

$$NPL = -4.18 + 0.062 \text{ Stock} + 0.032 \text{ Stock}(-1) - 0.003 \text{ Stock}(-2) + 0.025 \text{ Un} + 0.0084 \text{ Liqu} - 0.047 \text{ Loan} + 0.012 \text{ Loan}(-1)$$

براساس نتایج بدست آمده از جدول، مدل اثرات مثبت متغیر نرخ بیکاری (Un) بر نرخ نکول را مورد تأیید قرار می‌دهد و ضریب ۰.۰۲۵ واحدی آن به معنای افزایش ۰.۰۲۵ درصدی نرخ نکول در نتیجه افزایش یک درصدی این متغیر است. افزایش بیکاری در کشور موجب کاهش درآمد سرانه جامعه خواهد شد و در کل، کاهش توانایی مردم را در بازپرداخت وام‌های دریافتی خود به دنبال خواهد داشت. این نتیجه با نتایج قوش (۲۰۱۵) همسو است.

نرخ رشد شاخص قیمت سهام (Stock) و نرخ رشد تسهیلات (Loan) دارای تاثیرات سینوسی بر نرخ نکول بانک‌ها هستند. متغیر Stock در سطح دارای اثر مثبت و معناداری بر نرخ نکول است. بنابراین تئوری‌های اقتصادی که این مسئله را به خاطر وجود رونق اقتصادی و گرایش به ریسک پذیری بانک‌ها می‌دانند تأیید می‌شود. این مسئله نیز توسط خیمنز و سارینا (۲۰۰۶) و تأکید شده است که اعطای وام‌ها در دوران رکود با دقت بیشتری صورت می‌گیرد. بانک‌ها بهترین مشتریان خود را از لحاظ توانایی باز پرداخت اقساط انتخاب می‌کنند و اشتباهات سیاست‌های اعتباری به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد. مطالعات شعری و نادری (۱۳۹۰) نیز مبین همین موضوع است. اما متغیر Stock(-2) دارای اثر منفی و معناداری بر نرخ نکول است. یک درصد افزایش در Stock(-2) سبب کاهش ۰.۰۰۳ درصدی در نرخ نکول خواهد شد. درواقع این متغیر نیز از با دو وقفه تاخیر نمایان‌گر بهبود اوضاع اقتصادی جامع و مردم در بازپرداخت اقساط خواهد بود.

یک درصد افزایش نرخ رشد تسهیلات در سطح سبب کاهش ۰.۰۴۷ درصدی ریسک بانکی خواهد شد، اما یک واحد افزایش همین متغیر سبب افزایش ۰.۰۱۲ درصدی ریسک اعتباری سیستم بانکی در دوره بعد می‌شود. این کاهش در سطح به دلیل افزایش مخرج نرخ نکول که به عنوان نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی می‌باشد، صورت می‌گیرد. اما از آن‌جا که رشد سریع در تسهیلات اعطایی غالباً با نادیده گرفتن استانداردهای مربوطه همراه است پس از گذشت یک دوره میزان معوقات بانکی افزایش و نرخ نکول نیز افزایش خواهد یافت. نرخ رشد نقدینگی (Liqu) نیز اثر مثبت و معنادار بر نرخ نکول دارد یک واحد افزایش این متغیر افزایش ۰.۰۰۸۴ درصدی نرخ نکول بانک‌ها را به دنبال خواهد داشت. اثرگذاری نرخ رشد نقدینگی بر نرخ ریسک اعتباری بانک‌ها بیشتر در قالب تورم خود را نشان می‌دهد. این مسئله نیز به خاطر سیاست‌های غلطی است که غالباً توسط مدیران بانکی و اقتصادی کشور گرفته شده است. در این میان نرخ نکول مطالبات غیرجاری بیشترین اثرپذیری را از متغیر نرخ رشد شاخص قیمت سهام و کمترین اثرپذیری را از متغیر نرخ رشد نقدینگی دارد.

آزمون تشخیص صحت الگو که در پایین جدول گزارش شده است آماره‌های ضریب لاگرانژ بوده که واریانس همسانی^۱، نرمال بودن جملات پسماند^۲، فرم تبعی^۳، همبستگی سریالی^۴ را مورد آزمون قرار می‌دهند. ضریب تعیین برابر با ۰.۷۴۸ است. همچنین آماره دوربین واتسون و دیگر آماره‌ها همگی نشانگر اعتبار مدل برازش شده و عدم همبستگی میان متغیرهای توضیحی مدل می‌باشند.

با توجه به این که در مدل ARDL از متغیرهای ناپایا استفاده شده است. لازم است برای جلوگیری از رگرسیون کاذب آزمون همگرایی انجام شود. برای آزمون همگرایی در مدل ARDL دو روش وجود دارد. آزمون وجود رابطه بلندمدت براساس آمار t که توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲) ارائه شد و آزمون کرانه‌ها^۵ براساس مقادیر بحرانی F که توسط پسران و شاین (۱۹۹۶) معرفی شد. در این پژوهش از آماره t که توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲) مطرح شد استفاده می‌گردد. فروض آزمون همجمعی بین متغیرها بصورت زیر است:

$$H_0 = \sum_{i=1}^p \alpha_i - 1 \geq 0 \quad (1)$$

$$H_1 = \sum_{i=1}^p \alpha_i - 1 < 0$$

فرضیه صفر بیانگر عدم وجود هم‌انباشتگی یا رابطه بلندمدت است. شرط آن که رابطه پویای کوتاه مدت به سمت بلندمدت گرایش یابد، آن است که مجموع ضرایب کمتر از یک باشد. کمیت آماره t مورد نیاز برای انجام آزمون فوق به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \alpha_i - 1}{\sum_{i=1}^p s_{\alpha_i}} = 7.61$$

که در آن، صورت کسر نشان‌دهنده مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته منهای یک و مخرج کسر نشانگر مجموع انحراف معیار ضرایب وقفه‌های متغیر وابسته است. با انجام این آزمون t محاسباتی برابر با مقدار ۷.۶۱ بدست آمده است. که چون از نظر قدرمطلق از t متناظر با جدول بنرجی، دولادو و مستر بیشتر است، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد و وجود آن پذیرفته می‌شود. بنابراین رابطه همگرایی در معادله برآورد شده تأیید می‌شود.

1. Based on the regression of squared residuals on squared fitted values
2. Based on a test of skewness and kurtosis of residuals
3. Ramsey's RESET test using the square of the fitted values
4. Lagrange multiplier test of residual serial correlation
5. Bounds test

۵-۲ الگوی بلندمدت

جدول ۳. نتایج الگوی بلندمدت

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
نرخ رشد شاخص قیمت سهام	-۰.۵۴	-۳.۰۹	۰.۰۰۳
نرخ بیکاری	۰.۴۷	۳.۹۰	۰.۰۰
نرخ رشد نقدینگی	۰.۱۳	۲.۳۹	۰.۰۱۷
نرخ رشد تسهیلات	۰.۳۵	۳.۸۶	۰.۰۰

منبع: یافته های پژوهش

مطابق جدول ۳ الگوی بلندمدت به صورت زیر خواهد بود:

$$NPL = -0.54 \text{ Stock} + 0.47 \text{ Un} + 0.13 \text{ Liqu} + 0.35 \text{ Loan}$$

نتایج نشان می دهد ضریب متغیر نرخ رشد شاخص قیمت سهام منفی و معنادار است یک واحد افزایش این متغیر سبب کاهش ۰.۵۴ واحدی نرخ نکول می شود. شاخص قیمت سهام همواره به عنوان یکی از معیارهای رونق و رکود اقتصادی شناخته می شود. به گونه ای که افزایش این شاخص مبین رونق و کاهش آن بیانگر رکود اقتصادی است. با بروز رونق در جامعه سطح رفاه و درآمد افراد افزایش یافته و توانایی آنان در بازپرداخت اقساط افزایش می یابد و در زمان رکود عکس این امر صورت می گیرد بنابراین افزایش این شاخص در بلندمدت سبب کاهش نکول مطالبات در نظام بانکی می شود.

متغیرهای نرخ بیکاری و نرخ رشد نقدینگی نیز ضرایب مثبت و معناداری دارند. یک درصد افزایش نرخ بیکاری نیز موجب افزایش ۰.۴۷ درصدی ریسک اعتباری سیستم بانکی می شود. افزایش یک درصدی نرخ رشد نقدینگی نیز سبب افزایش ۰.۱۳ درصدی نرخ نکول در بلندمدت خواهد شد. کشش متغیر نرخ نکول نسبت به نرخ رشد تسهیلات نیز مثبت و برابر ۰.۳۵ است به این معنا که یک درصد افزایش در تسهیلات اعطایی بانکها سبب افزایش ۰.۳۵ درصدی نرخ نکول نظام بانکی خواهد شد. با افزایش اعطای تسهیلات که غالباً با نادیده گرفتن استانداردهای موجود در این زمینه و قبول وثیقه هایی با کیفیت پایین صورت می گیرد سیستم بانکی خود را در معرض ریسک بالقوه بیشتری قرار می دهد همین امر در بلندمدت موجب افزایش عدم عودت وام ها و نکول تسهیلات می شود. همانطور که از نتایج تخمین بر می آید ضرایب بلندمدت متغیرها بزرگتر از میزان کوتاه مدت بوده است

۵-۳ تخمین ضرایب تصحیح خطا برای مدل ARDL

براساس جدول ۴ در هر دوره ۰.۲۳ درصد از عدم تعادل کوتاه مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود. سرعت تعدیل در این مدل پایین است که نشان دهنده لزوم اجرای سیاست‌های با ثبات در بلندمدت است.

جدول ۴. نتایج الگوی تصحیح خطا

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
تفاضل نرخ رشد شاخص قیمت سهام	۰.۰۴۷	۳.۳۹	۰.۰۰۱
تفاضل نرخ رشد شاخص قیمت سهام ۱	۰.۰۸۷	۳.۲۰۰	۰.۰۰۴
تفاضل نرخ بیکاری	۰.۰۲۸	۴.۳۳	۰.۰۰۰
تفاضل نرخ رشد نقدینگی	۰.۰۵۳	۱۱.۰۰	۰.۰۰۰
تفاضل نرخ رشد مطالبات	-۰.۰۰۶	-۲.۲۶	۰.۰۱۸
جمله تصحیح خطا (-۱)	-۰.۲۳	-۴.۵۹	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از مدل ARDL تاثیرپذیری میزان نکول در سیستم بانکی کشور را از شرایط اقتصاد کلان در کوتاه مدت و بلند مدت تأکید می‌کند. متغیر نرخ رشد شاخص قیمت سهام در کوتاه مدت اثر مثبت و معناداری بر نکول مطالبات دارد اما در بلندمدت این متغیر اثر منفی و معناداری بر نرخ نکول دارد. این امر به این دلیل است که رونق اقتصادی در کوتاه مدت با تزریق سرمایه از سوی سیستم بانکی به فعالان تجاری کشور و تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی از طریق اعطای تسهیلات صورت می‌گیرد. از آنجا که در زمان رونق الزامات اعتباری کمتر رعایت می‌شود سبب افزایش نکول مطالبات در دوره‌ای کوتاه می‌شود. اما با ادامه رونق در بلندمدت وضعیت اقتصادی مردم بهبود می‌یابد و توانایی آنان در عودت اقساط افزایش می‌یابد و در نتیجه نرخ نکول کاهش می‌یابد. بنابراین در بلندمدت شاخص قیمت سهام رابطه منفی با نرخ نکول خواهد داشت. این نتیجه با نتایج واعظ و همکاران (۱۳۹۰) سازگاری دارد. متغیر نرخ بیکاری و نرخ رشد نقدینگی در کوتاه‌مدت و بلندمدت رابطه مستقیم و معناداری با نرخ نکول داشته است و ضریب اثرگذاری آن در بلندمدت افزایش یافته است. این نتیجه با نتایج احمد (۲۰۱۳) و قوش (۲۰۱۵) مطابقت دارد. متغیر تسهیلات در کوتاه‌مدت رابطه منفی و معناداری با ریسک بانک‌ها دارد اما در بلندمدت این متغیر رابطه مستقیم با نرخ نکول داشته و افزایش آن را موجب می‌شود. این نتیجه با نتایج سالیس و سارینا (۲۰۰۲) و همتی و محبی نژاد (۱۳۸۸) سازگار است. نتایج نشان می‌دهد ضریب جمله خطا

که سرعت تعدیل مدل کوتاه مدت به بلندمدت را نشان می‌دهد معنی دار و تقریباً معادل ۲۳ درصد می‌باشد و می‌توان نتیجه گرفت که براساس جمله تصحیح خطا در هر دوره ۲۳ درصد از عدم تعادل یک دوره در نرخ نکول مطالبات غیرجاری در دوره بعدی تعدیل می‌شود. با توجه به این‌که متغیرهای اقتصاد کلان بر نرخ نکول نظام بانکی در اقتصاد ایران تأثیر گذار بوده‌اند، پیشنهاد می‌شود بانک‌ها با توجه به شرایط اقتصادی و ملاحظه روند متغیرهای کلان در ارزیابی پروژه‌ها، به گونه‌ای تسهیلات دهند که اصل و سود تسهیلات قابل بازگشت باشد. در بیان راهکارهای کاهش مطالبات معوق بانک‌ها، در سطح کلان می‌توان اقدامات زیر را در رأس برنامه‌های مدیریت ریسک قرار داد:

✓ با توجه به اینکه متغیرهای اقتصاد کلان بر نرخ نکول نظام بانکی در اقتصاد ایران تأثیر گذار بوده‌اند، پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران و مدیران پولی و مالی کشور برای کاهش مطالبات معوق بانکی، هنگام اتخاذ سیاست، به جهت و میزان تأثیر این متغیرها توجه داشته باشند.

✓ ثبات سیاستگذاری پولی و مالی

نتایج تحقیق حاکی از آن است که تغییر شاخص‌های پولی، تأثیر بسزایی در افزایش مطالبات معوق سیستم بانکی دارد. به عبارت دیگر، عوامل پولی سهم قابل ملاحظه‌ای در ایجاد بحران مالی دارند. ثبات در سیاستگذاری‌ها در این خصوص می‌تواند به کنترل و یا حتی کاهش مطالبات معوق بانکی موثر باشد.

✓ پرهیز از اقتصاد دستوری

دخالل مستقیم دولت یا بانک مرکزی در وضعیت کلان اقتصادی، مانند تغییر در نرخ بهره، میزان نقدینگی (به دلیل کسری بودجه) و تورم باعث افزایش مطالبات معوق بانک‌ها می‌شود. پرهیز از اقتصاد دستوری در کاهش نرخ بهره، استقلال بانک مرکزی برای کنترل بیشتر بر نقدینگی و کاهش تورم باعث بهبود وضعیت مطالبات معوق خواهد شد.

همچنین با توجه به تجربیات حاصل از انجام این تحقیق، موارد زیر جهت انجام تحقیقات درآینده پیشنهاد می‌گردد:

- شناسایی سایر متغیرهای اقتصادی موثر بر نرخ نکول مطالبات غیرجاری
- بررسی ارتباط متقابل عوامل اقتصادی و ریسک اعتباری در بانک‌ها

منابع

۱. اندرز، والتر (۱۳۸۶) "اقتصادسنجی سری‌های زمانی با رویکرد کاربردی"، ترجمه صادقی، مهدی و سعید شوالپور، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
۲. تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصاد سنجی کاربردی به کمک Microfit، انتشارات دیباگران تهران
۳. ذوالنوریان، مهدی، (۱۳۹۰) «آسیب‌شناسی علل و عوامل ایجاد و افزایش مطالبات معوق بانک‌ها»، <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/883698>
۴. سایت مرکز آمار ایران، www.amar.ir
۵. شعری، صابر؛ نادری، مهدی (۱۳۹۰) "بررسی ارتباط عوامل کلان اقتصادی و ریسک اعتباری بانک‌ها"، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۶
۶. قلی‌زاده، علی‌اکبر؛ شالیاری، فرزانه (۱۳۹۳) «تحلیلی بر وضعیت نرخ نکول مطالبات معوق سیستم بانکی کشور»، کنفرانس ملی جایگاه مدیریت و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار، اقتصاد و فرهنگ، ۲۹ مرداد ۱۳۹۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول.
۷. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۹۵-۱۳۷۹
۸. نوفرستی، محمد (۱۳۷۸) "ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی" انتشارات رسا، چاپ اول
۹. واعظ، محمد؛ امیری، هادی؛ حیدری، مهدی (۱۳۹۰) "تاثیر چرخه‌های تجاری بر نکول مطالبات بانکی ایران"، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۷، ص ۴۱-۷۶
۱۰. هاشمی نودهی، میرمجتبی (۱۳۷۷) «بررسی علل ایجاد مطالبات معوق و سررسید گذشته تسهیلات بانک مسکن طی دوره ۷۶-۱۳۶۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت علوم بانکی، موسسه آموزش عالی بانکداری ایران
۱۱. همتی، عبدالناصر؛ محبی نژاد، شادی (۱۳۸۸)، «رزیایی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶، صفحات ۳۳-۵۹
12. Ahmad, F. (2013), "Explanatory Power of Macroeconomic Variables as Determinants of Non-Performing Loans: Evidence from Pakistan", World Applied Sciences Journal, From [http://www.idosi.org/wasj/wasj22\(2\)13/15](http://www.idosi.org/wasj/wasj22(2)13/15).
13. Ghosh, Amit (2015), "Banking-industry specific and regional economic determinants of non-performing loans: Evidence from US states", <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1572308915000881>
14. Jiménez, G. and Saurina, J. (2006), "Credit cycles, credit risk and prudential regulation", From <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0378426608001854>
15. Vasicek, Oldrich Alfons. 1987. "Probability of Loss on Loan Portfolio", KMV Corporation, From <http://www.kmv.com>

-
16. Klein, N (2013) "Non-Performing Loans in CESEE: Determinants and Macroeconomic Performance", International Monetary Fund, From <http://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2013/wp1372>
 17. Louzis, D. and. Vouldis, A. and. Metaxas, V (2012) " Macroeconomic and bank-specific determinants of non-performing loans in Greece: A comparative study of mortgage, business and consumer loan portfolios", Journal of Banking & Finance, From [http://www.ideas.repec.org/p/bog/wpaper/118.html.pdf\(1391/12/10\)](http://www.ideas.repec.org/p/bog/wpaper/118.html.pdf(1391/12/10))
 18. Salas, V. & Saurina, J (2002) " Credit risk in two institutional regimes: Spanish commercial and savings banks", Journal of Financial Services Research